

تحلیل گفتمان تصانیف عارف قزوینی در دوران مشروطیت، براساس روش شناسی فوکو

مریم دولتی فرد*

شهلا اسلامی**، شمس‌الملوک مصطفوی***

چکیده

دوره مشروطه آغاز پیدایی و گسترش جریان خردگرایی مدرن در ایران است. در حوزه شعر و موسیقی، با ورود مضامین سیاسی و اجتماعی گفتمان سیاسی دوره مشروطه در بستر موسیقی و ادبیات شکل گرفت. تصانیف میهنی از ابزارهای قدرت‌مند برای گسترش پیام مشروطیت بود؛ چنان‌چه در این دوره، تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی بر چستی تولید موسیقی مؤثر بود. در این مطالعه، با کاربرد روش شناسی فوکو در تحلیل تصانیف میهنی عارف قزوینی تلاش شده به این پرسش پاسخ داده شود که تحولات دوره مشروطه چه صورت‌بندی‌ای را در گفتمان تصانیف عارف قزوینی پدید آورده است؟ موسیقی ایران با تصانیف انقلابی موسیقی‌دان‌هایی نظیر عارف قزوینی متحول شد. این تصانیف به ترتیب فراوانی مقوم گفتمان ناسیونالیسم، لیبرالیسم، پارلمانتیسم، دموکراتیسم، سوسیالیسم، و سکولاریسم‌اند. گفتمان ناسیونالیسم‌محور همه تصانیف را سامان بخشیده است. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به تغییر جایگاه شعر و موسیقی، صورت‌بندی نو در تصانیف و اشعار، نقد قدرت، و شکل‌گیری موسیقی مبتنی بر موسیقی غربی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: مشروطیت، موسیقی، عارف قزوینی، گفتمان، فوکو.

* دانشجوی دکتری فلسفه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، mdolati_f@yahoo.com

** استادیار گروه فلسفه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)

shahla.eslami78@gmail.com

*** دانشیار گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، sha_mostafavi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲

۱. مقدمه

به موازات سیر تکاملی جنبش‌های فکری و انتقادی در اروپا و نیز با ورود جهان‌بینی مدرنیته به ایران، نهضت مشروطه‌خواهی به‌عنوان رهاورد تجدد شکل گرفت. اگرچه به‌تعبیر شایگان، جهان‌بینی «دو دنیایی که یک‌دیگر را نفی می‌کردند» با هم در تناقض بودند (شایگان ۱۳۸۰: ۹۷). شعر و به‌تبع آن موسیقی از ابزارهای قدرت‌مند برای گسترش پیام مشروطیت بود. با خلق تصانیف میهنی و ورود مضامین سیاسی و اجتماعی به حوزه شعر و موسیقی، گفتمان سیاسی نهضت مشروطه با هم‌راهی و هم‌نوایی شاعران و آهنگ‌سازانی نظیر عارف قزوینی، در بستر موسیقی و ادبیات، در هیئتی جدید، فرصت انتشار یافت. دگرگونی زبان به عرصه موسیقی نیز تسری یافت؛ چنان‌چه در این دوره، تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی بر چستی تولید تصانیف میهنی و انقلابی تأثیر گذاشت.

نظم مولد گفتمان یا به‌عبارتی «قدرت» در دوره مشروطیت، گفتمان متفاوتی را در حوزه موسیقی تولید می‌کند. «بحث فوکو درباره درون‌مایه‌های هنری بر این اندیشه تکیه دارد که آثار هنری می‌توانند تمامی فضای فکری و معنوی دوره خاصی از تاریخ یا بخشی از آن را منعکس کند» (رامین ۱۳۸۷: ۵۸۳). با پیروی از آرای فوکو، دوره مشروطیت نیز نظام‌های دلالتی و راهبردهای گفتمانی مشخص خود را دارد.

به‌قول فوکو هر نظام قدرتی «رژیم حقیقت» خاص خویش را می‌آفریند و متون فرهنگی و ادبی هر زمان یا از این رژیم متأثرند و آن را قوام می‌بخشند، یا سودای دگرگونی آن را در سر می‌پزند. به‌کلامی دیگر، یا جزئی از دستگاه هژمونی حاکم‌اند، یا با آن در تضادند (میلانی ۱۳۸۷: ۱۳).

پرسش اصلی آن است که تحولات دوره مشروطیت چه صورت‌بندی‌ای را در گفتمان تصانیف عارف قزوینی به‌عنوان نمونه بارز موسیقی نهضت مشروطیت پدید آورده است؟ نخست، به‌اختصار جریان‌های تاریخی و عوامل مؤثر فرهنگی زمینه‌ساز انقلاب مشروطیت، وضعیت رسانه‌ها، ادبیات، و انواع موسیقی رایج در دوران مشروطه را شرح می‌دهیم. سپس، ویژگی‌های «اپیستم مشروطیت» را تبیین می‌کنیم و ارتباط میان اپیستمه و تصانیف را می‌سنجیم.

۲. پیشینه تحقیق

منابعی که پیشینه نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهند طیفی از مطالعات بینارشته‌ای در حوزه‌های تاریخ سیاسی - اجتماعی دوره مشروطیت تاریخ موسیقی و ادبیات سیاسی این

دوره است که نگرشی توصیفی - تاریخی دارند. امینی عوامل مؤثر در ظهور گفتمان ادبیات مشروطه را بررسی کرده است (امینی ۱۳۹۰). از منابع عمده تاریخ ادبیات این نوشتار آثار حاج سیدجوادی و ذاکر حسین در شرح تاریخ ادبیات معاصر ایران و ادبیات دوره مشروطیت است (ذاکر حسین ۱۳۷۷؛ حاج سیدجوادی ۱۳۸۲). کوهستانی نژاد اسناد و مکاتبات این دوره را گردآوری کرده است (کوهستانی نژاد ۱۳۸۴). فاطمی در پژوهش‌های متعددی، موسیقی‌شناسی دوره قاجار را موضوع مطالعه قرار داده است (Fatemi 2005). میثمی نیز در پژوهشی به چگونگی شکل‌گیری و برگزاری کنسرت در دوره قاجار پرداخته و تأثیر نهضت مشروطه در پرورش مخاطبان جدید موسیقی را برشمرده است (میثمی ۱۳۹۴). از منابع مرجع تاریخ سیاسی دوره مشروطیت نیز می‌توان به زیباکلام (۱۳۹۳)، آبراهامیان (۱۳۸۹)، آجودانی (۱۳۹۶)، و آدمیت (۱۳۶۴) اشاره کرد.

در این نوشتار، با نگرشی مبتنی بر فلسفه پساساختارگرایی میشل فوکو به مطالعه گفتمان غالب در تصانیف عارف قزوینی در دوره مشروطه می‌پردازیم و ظهور این تصانیف را با توجه به پدیده‌های تاریخی و اجتماعی توضیحی روش‌مندانه می‌دهیم. پیشینه تحلیل و بررسی اپیستمه دوره مشروطیت و نسبت آن با گفتمان موسیقی سابقه‌ای در آثار پژوهش‌گران نداشته است. این مقاله با رویکردی بدیع، صورت‌بندی تصانیف عارف قزوینی در دوران مشروطیت و اپیستمه مؤثر بر خلق این موسیقی را بررسی و تحلیل می‌کند.

۳. روش‌شناسی فوکو

روش‌شناسی فوکو را با تبیین مفاهیم کلیدی در آرای او نظیر گفتمان، قدرت، اپیستمه، و تاریخ آغاز می‌کنیم. فوکو در کتاب *تبارشناسی دانش* می‌نویسد: «معنای پنهان [ضمنی] وجود ندارد» (Foucault 1972: 134). گراهام با تأکید بر این‌که، در تحلیل گفتمان، فوکو به دنبال آن نیست که به وسیله آن‌چه به بیان می‌آید یا خیر، معنای واقعی گفتمان را آشکار سازد، می‌نویسد:

در چهارچوب فوکویی تحلیل گفتمان، تحلیل‌گر گزاره‌ها را از آن منظر که چه می‌گویند، بررسی نمی‌کند، بلکه عملکرد گزاره‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند. یک سؤال مطرح می‌شود که اثرات سیاسی و سازنده گفتن «این» به جای گفتن «آن» چه ممکن است باشد؟ (Graham 2011: 667).

به تعبیر یورگنسن، قدرت هم‌چون گفتمان به کنش‌گر خاصی متعلق نیست. «قدرت در میان پرکتیس‌های اجتماعی مختلف پخش شده است ... می‌تواند مولد هم باشد»

(یورگنسن ۱۳۸۹: ۳۶). از منظر برتنز، واژه قدرت در اصطلاح‌شناسی فوکو با مسامحه به کار رفته است. «قدرتی که منظور فوکوست با «ایدئولوژی» آلتوسر و «هژمونی» گرامشی دارای نقاط مشترک زیادی است؛ زیرا با رضایت و اتفاق رأی همگانی حکم‌رانی می‌کند» (Bertens 2005: 153). عملکرد ابزارگونه گفتمان به‌عنوان ثمره قدرت و انگیزشی برای استراتژی مخالف، درخور توجه است. «در نگاه فوکو، قدرت و مقاومت مقوله‌های در تقابل و مجزایی نیستند، بلکه بخشی از گفتمانی یک‌سان هستند، مانند مارکسیسم و کاپیتالیسم که بر ضد یک‌دیگرند؛ اما باور بنیادینی را درباره الویت روابط اقتصادی به اشتراک می‌گذارند» (Rosenthal 2016: 9) گفتمان‌ها در بستر سیستم‌های فکری متولد می‌شوند و سیستم‌های فکری متضمن روابط قدرت‌اند. «فوکو روابط قدرت را لازمه کمابیش ثابت و همیشگی بشریت می‌داند» (Bannister 2010: 165). میلر درباره اهمیت اپیستمه در حیات علوم انسانی می‌نویسد: «آرایش عمومی اپیستمه است که علوم انسانی را امکان‌پذیر می‌کند» (میلر ۱۳۹۳: ۲۲۷). فوکو اپیستمه هر دوره را در سایه اسناد و مدارک آن دوره مطالعه می‌کند. «مراد فوکو از این واژه اشاره به حوزه معرفت‌شناختی است که در چهارچوب آن دانش و گفتار و حدیث ویژه‌ای در فرهنگی خاص و عرصه‌ای معین شکل می‌گیرد» (ضمیران ۱۳۹۰: ۹۱). مفهوم تاریخ در تبارشناسی فوکو در تقابل با روش‌شناسی سنتی تاریخی است. حقیقت برآمده از قدرت حقیقتی زمان‌مند، مکان‌مند، و تاریخی است.

بی‌شک درست همان‌گونه که در گذشته تاریخ – بزرگ‌داشت، وقایع‌نگاری‌ها، تبارنامه‌ها، ... برای مدت مدیدی به‌گونه‌ای دیگر از قدرت پیوند خورده بود. دینامیک تکامل‌های پیوسته به‌هم‌راه تکنیک‌های نوین انقیاد به‌تدریج جای‌گزین توالی رویدادهای تاریخی شد (فوکو ۱۳۸۸: ۲۰۱).

تاریخ ابزار درک ما از گفتمان رایج و معاصر می‌شود «از نظر فوکو، زمان حال فقط، بازگویی حاضر و معاصر است – معلول – مجموعه‌ای از گفتمان‌ها، سوژه‌ها و دانش‌هایی که همه در وضعیتی تاریخی مستقر شده‌اند» (Fadyl and Nichollas 2013: 25).

۴. جریان‌های زمینه‌ساز تغییر در دوره قاجار

یک قرن پس از آغاز حاکمیت قاجار، در نیمه دوم قرن نوزدهم، بنیان‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی قاجار به سستی گرایید. زیباکلام مجموعه جریانات اصلاح‌طلب را به دو دسته اصلی «جریانات اصلاح‌طلب درون نظام» و «جریانات اصلاح‌طلب بیرون نظام»

تقسیم‌بندی می‌کند (زیباکلام ۱۳۹۳: ۱۵۶). جریان اصلاح طلب بیرون از نظام چندان وابستگی به حاکمیت قاجار نداشته و به مراتب رادیکال‌تر و انقلابی‌تر ظهور می‌کند.

ماحصل حرکت و تلاش‌های جریان اصلاح از بیرون، نهضت مشروطه‌خواهی و انقلاب مشروطه می‌باشد (همان: ۲۶۷).

باتوجه به ویژگی‌های نظام پدرسالارانه استبداد ایرانی در دوران مشروطه، هیچ‌گاه اشرافیت مستقل و واجد حقوقی که بتواند از لحاظ قانونی محدودیتی در مقابل قدرت پادشاه ایجاد کند، مجال پیدایش نیافت (غفاری و دیگران ۱۳۹۶: ۱۱۰).

در دوره‌ای ده‌ساله، پس از قتل ناصرالدین شاه تا اعلام مشروطیت، که مصادف با سلطنت مظفرالدین شاه است، افکار جدید سیاسی و احساسات ملی‌گرایانه در کشور فرصت رشد یافت. سیاست‌های فرهنگی عصر ناصری، توسعه مدارس جدید، و اعزام دانشجو به خارج ایده‌های لیبرالیستی و ناسیونالیستی را تقویت کرد. مجدالملک با نگاهی معترضانه می‌نویسد: «این انگورهای نوآورده ... اظهار تعجب می‌کنند که از ولایات منظمه به این زودی چرا به ملک بی‌منظم رجعت کرده‌اند» (مجدالملک ۱۳۵۸: ۳۴-۳۵).

تأسیس روزنامه‌ها، ترجمه آثار متفکران لیبرال اروپایی (چون لاک، هابز، مونتسکیو، و روسو)، اشعار شاعران فرانسوی (نظیر لامارتین، لافونتن، و هوگو)، و انتشار آثار شخصیت‌های مقوم و مؤسس انقلاب مشروطه (چون میرزا ملکم خان، مستشارالدوله، و طالبوف) امکان مقایسه جامعه سنتی ایران با غرب را فراهم کرد و بر دامنه نارضایتی‌ها افزود. «انجام اصلاحات برای برون‌رفت از بحران‌های موجود سرآغاز تغییراتی بود که به زایش طبقات اجتماعی جدید و رویارویی با حکومت انجامید و سرانجام بسترهای اجتماعی - اقتصادی انقلاب را فراهم آورد» (ملائی ۱۳۹۱: ۱۳۹).

تا پیش از نهضت مشروطیت زمینه‌ای برای پیدایی تشکل‌های احزاب سیاسی وجود نداشت. «نیروی متشکل سیاسی غیرروحانی که بتواند نقش اپوزیسیون دولت و در معنای عام حکومت را برعهده بگیرد در میان نبود» (آجودانی ۱۳۹۶: ۱۶۵). احزاب سیاسی و فعالیت انجمن‌های سری در تهران گسترش یافت که از خدماتشان می‌توان به «تأسیس کتابخانه ملی برای گردهمایی روشن‌فکران انقلابی» اشاره کرد (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به رحیمی ۱۳۸۹). در این دوره، «سعی در دموکراسی و مشروطیت واقعی در اذهان و افکار روشن‌فکران راه یافته بود» (راوندی ۱۳۷۴: ۵۰۵). «تأسیس وزارت امور خارجه نخستین تغییر مهم در ساختار سیاسی کشور ... و نشان‌دهنده ضرورت نگاه تخصصی‌تر به

غرب اما گسترده‌ترین نوسازی در عرصه سیاست خود را در قالب تشکیل کابینه به سبک غرب نمایاند» (ملائی ۱۳۹۱: ۱۴۷).

۱.۴ رسانه‌های جمعی در دوران مشروطیت

در اوضاع آشفته سیاسی و اقتصادی کشور، گفتمان سیاسی جدیدی در ایران شکل گرفت. نبودن رسانه‌های دیداری و شنیداری در دوران مشروطیت نشر افکار آزادی‌خواهانه را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کرد؛ اما نشر روزنامه با محتوای انتقادی از عوامل مؤثر بر رشد عرصه سیاسی دوران مشروطیت است. به تبع تأسیس چاپ‌خانه در زمان فتحعلی‌شاه، میرزا صالح شیرازی کاغذ/اخبار، نخستین روزنامه ایرانی را منتشر کرد. «در سومین سال از سلطنت ناصرالدین شاه، با انتشار روزنامه دولتی وقایع/تفاهیه به دستور امیرکبیر، اولین بنای گفتمان سیاسی در روزنامه شکل گرفت» (ورهام ۱۳۶۹: ۱۸۸-۱۹۰). اغلب روشن‌فکران و نویسندگان ایرانی، «پیشاهنگان آزادی و مشروطیت»، خارج از ایران به بیداری جامعه ایرانی همت گماردند (آرین‌پور ۱۳۷۹: ۲۸۷).

در ادامه نهضت مشروطه‌خواهی، روزنامه‌های آزاد و غیردولتی نظیر صور/سرافیل^۱، اختر^۲، قانون^۳، و حبل‌المتین^۴ تأثیر به‌سزایی در پیدایی گفتمان سیاسی مشروطیت داشتند. با تأسیس دارالفنون، تعداد درخور توجهی از کتاب‌های درسی ترجمه شد. علاوه بر آن، مطالعه سفرنامه‌ها با استقبال فزاینده‌ای مواجه شد. «علت محبوبیت سفرنامه‌ها مطالب مندرج و مرتبط با تضادهای ایرانیان با غرب و ارزش‌های اروپایی بود که می‌کوشید ... تا تصویر رسایی از مدنیت غربی و پیشرفت‌های علمی و فنی آن ارائه کند و رویکردی انتقادی به وضع موجود بگشاید» (فراگنر ۱۳۷۷: ۱۱). ترجمه آثار اروپایی باعث استقبال بی‌نظیر ادب‌دوستان شد. «مخصوصاً نویسندگان و شاعران مکتب رمانتیسیم انگیزه مؤثری برای ترغیب و تشویق مترجمین به کار بود» (حاج سیدجوادی ۱۳۸۲: ۶۰). ترجمه نمایش‌نامه‌ها، رسالات، و رمان‌های تاریخی نیز مورد توجه طبقات مختلف قرار گرفت «در زمان حکومت ناصرالدین شاه ... نمایش برای نخستین بار قادر می‌گردد، خودنمایی کند» (ملک‌پور ۱۳۶۳: ۲۸). به این ترتیب، شاید ترجمه بیش از آن‌که بافت زبان فارسی را دچار تغییر و تحول سازد، اثر ژرفی در فرهنگ‌سازی و اندیشه‌پروری آن مقطع تاریخی گذاشت؛ چنان‌چه رسانه‌های جمعی دوره قاجار، اعم از روزنامه و ترجمه، بخشی از حرکت جامعه به سمت تجددخواهی و تمدن‌گرایی بود.

۲.۴ حیات ادبی دوران مشروطیت

نهضت فکری و اجتماعی مشروطه در شعر پارسی و ادبیات ایران تأثیر عمیقی بر جای گذاشت. «شعرای اوایل عهد مشروطیت با حفظ تشبیهات و استعارات مأنوس قدیم مطالب سیاسی و اجتماعی خود را در قالب غزل گنجاندهاند» (ذاکرحسین ۱۳۷۷: ۵۰). به تعبیر آشوری، ورود به دوران مشروطیت «دگرگونی زبان را نیز ناگزیر می‌کند» (آشوری ۱۳۹۸: ۲۸). آژند زبان شعر دوره مشروطه را «آمیزه‌ای ناگزیر و ناموزون از کلمات کهن، جدید، دانشورانه و عامیه» می‌داند (آژند ۱۳۸۴: ۷۷). به عبارتی، در این شیوه نو ادبیات «شاعران مشروطه بر عنصر تاریخ و فرهنگ ایران بیش از زبان تکیه کرده‌اند» (خاتمی و دزفولیان ۱۳۹۴: ۳۹). این ادبیات آرمان‌گرا، اصلاح‌طلب، و تجددخواهانه مصداق رویارویی سنت با مدرنیسم است. «ادبیات مشروطه در جدال با ادبیات کهنه جان می‌گیرد و به همین دلیل چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا، نو و سنت‌شکن است» (مؤمنی ۱۳۵۲: ۳۱). سروده‌های ملی و ادبیات معارض از آغاز نهضت مشروطه به‌عنوان عنصر محرک در بسیج توده‌های مردم مؤثر بود. «گفتمان مشروطه عرصه را برای عمومی کردن ادبیات آماده کرد و آن را از حالت طبقاتی و تاحدودی اشرافی و درباری خارج کرد» (امینی ۱۳۹۰: ۲۲۶). پس از استقرار نظام مشروطه نیز ادبیات به‌سمت ادبیاتی متعهد پیش رفت که از نظام سیاسی و اجتماعی مشروطه حمایت می‌کرد. «در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات فارسی، شعر این قدر با سیاست آمیخته نشده و بر مأموریت خود برای ایجاد تحول در نظام اجتماعی آگاهی نیافته بود» (اسلامی ندوشن ۱۳۵۶: ۲۱۴). در این دوران، تأثیر نهضت مشروطه در تولد دوباره شعر حائز اهمیت است. «قرارگرفتن برخی مفاهیم صریح سیاسی هم‌چون ملت، ایران، مشروطه، استبداد و وطن‌فروشی در کنار اشاره‌های اسطوره‌ای و تاریخی، نشان از پیوستگی شاعر، شعر و مردم دارد» (کریمی ۱۳۸۴: ۱۸۴).

بهار سهم ترجمه و مطبوعات را در ظهور اصطلاحات جدید در اشعار این دوره یادآور می‌شود: «لغات سیاسی - اجتماعی که به‌هیچ‌وجه سابقه نداشت به‌وسیله ترجمه و یا به عین لفظ پیدا شد؛ مانند پارلمان، مجلس شورا، وکیل، نماینده ... تجدد، تمدن، انقلاب، آزادی، حریت، مساوات، آزادی‌خواه، وطن‌خواهی ...» (بهار ۱۳۷۵: ۴۰۳-۴۰۵).

میرزاده عشقی، ایرج میرزا، عارف قزوینی، فرخی یزدی، وحید دستگردی، ملک الشعرای بهار، و نظام وفا از دیگر شاعران میهنی و آزادی‌خواه دوران مشروطه‌اند. آن‌ها با سروده‌های خود از انقلاب مشروطه حمایت کردند و مضامین جدیدی را در شعر فارسی

وارد کردند. «عارف درکنار عشقی و نسیم شمال از جمله شاعران اصلی شعر مردمی عصر مشروطه محسوب می‌شود؛ شاعرانی که شعرشان با نبض حوادث زمانه می‌زند» (جعفری ۱۳۸۶: ۱۴۴). در این میان، می‌توان از عشقی به‌عنوان «موفق‌ترین شاعر رمانتیک عصر خود» نام برد (شفیعی کدکنی ۱۳۵۹: ۱۴۵).

۳.۴ تحول موسیقی در دوره قاجار

دوران مشروطیت شامل سه مرحله تحولات آغازین و پیش‌زمینه نهضت مشروطه، انقلاب مشروطه، دوران پشامشروطه است. تغییرات پیشامشروطه، که زمینه‌ساز انقلاب مشروطه بود، از سال‌های میانی حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۵۰ ش) آغاز شد. «نوآوری امیرکبیر در تأسیس مدرسه دارالفنون در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۳۰ ش) و برپایی شعبه موزیک نظام دارالفنون (۱۲۴۷ ش) به‌عنوان یکی از نهادهای مهم آموزش موسیقی دوران جدید، نقطه عطفی در تاریخ موسیقی دوره قاجار است» (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به آدمیت ۱۳۵۴: ۳۵۳-۳۵۶). با ورود ژان باتیست لمر به ایران و نگارش کتاب *تئوری موسیقی‌اش* و هم‌چنین تأسیس شعبه موسیقی نظامی «دگرگونی‌هایی در شیوه موسیقی نظامی آن دوره و اصطلاحات موسیقی ایجاد شد» (راهگانی ۱۳۷۷: ۳۷۴). به این ترتیب، نگارش آثار موسیقایی به‌شیوه غربی و نحوه ثبت موسیقی متحول شد. «مسیو لومر هفده سال در تهران اقامت گزید و مقام شامخ ریاست کل موزیک نظام ایران را برعهده داشت» (آدوی یل ۱۳۹۰: ۲۵۴). مدخلی با عنوان موسیقی ایران «در دانش‌نامه موسیقی و لغت‌نامه کنسرواتوار به‌قلم کلمون آرت در سال‌های ۱۹۲۰ نوشته شده است» (حجاریان ۱۳۹۲: ۲۷۹). بدین ترتیب، موسیقی نظامی به‌عنوان مهم‌ترین بستر برای ترویج و آموزش موسیقی کلاسیک غربی به ایران راه یافت. البته، به تدریج جریان مستقل خود را ادامه داد. «تشکیل دارالفنون، شعبه موزیک نظام و ارکسترهای نظامی و غیرنظامی در دوره قاجار معلول شرایط تاریخی است» (درویشی ۱۳۹۴: ۲۹). تبدیل کلاس موزیک شعبه نظام به مدرسه موزیک دارالفنون (۱۲۸۹ ش)، تأسیس مدرسه عالی موسیقی (۱۳۰۲ ش) و کلوپ موزیکال با همت کلنل وزیری موسیقی علمی ایران در دوره مشروطیت گسترش داد. «در فاصله انقلاب مشروطه تا سال (۱۳۰۴ ش)، چهار ارکستر منظم در تهران تشکیل شدند. آن‌ها به ترتیب تقدم زمانی عبارت بودند از: ارکستر نظام، مدرسه دارالفنون، ارکستر سلطنتی و ارکستر مدرسه عالی موسیقی» (کوهستانی نژاد ۱۳۸۴: ۳۵). سه ارکستر اول قاعدتاً از حمایت مستقیم حکومت

برخوردار بودند. ارکستر مدرسه عالی موسیقی نیز از حمایت رجال و شخصیت‌های فرهنگی بی‌بهره نبود. «یکی از نشانه‌های بارز رواج موسیقی در جامعه ایران عصر مشروطیت تعدد و کثرت اعلان‌های خرید و فروش سازهای مختلف موسیقی در جراید منتشره در آن زمان است» (کوهستانی‌نژاد ۱۳۸۴: ۴۶). در این دوره، شاهد ارائه اشکال متفاوتی از موسیقی هستیم که به موازات یک‌دیگر به حیات خود ادامه داده‌اند.

فاطمی با اشاره به جایگاه موسیقی مطربی در دوره قاجار می‌نویسد: «در دوره قاجار، به‌خصوص از زمان حکومت ناصرالدین شاه، فعالیت مطرب‌ها به دلیل گسترش هنر موسیقی کلاسیک محدودتر شد» (Fatemi 2005: 399). به این ترتیب، محافل خصوصی از مخاطبین اصلی گروه‌های مطربی محسوب می‌شدند. «مکان اجرای این دسته‌ها، مراسم ازدواج، ختنه‌سوران، شب‌نشینی‌ها، مولودی در اعیاد و مراسم مشابه آن بود» (Fatemi 2005: 404). از نمایش‌هایی متداول این دوره، که با موسیقی همراه بوده است، می‌توان به روحوضی اشاره کرد. این نمایش که به روحوضی یا تخت حوضی معروف بود، توسط یک گروه نمایشی به مرحله اجرا درمی‌آمد که غالباً همراه با موسیقی بود، یا حداقل یک تمبک (ضرب) یا دایره زنگی در موارد لزوم مورد استفاده قرار می‌گرفت (حاج سیدجوادی ۱۳۸۲: ۱۱۴).

با تأسیس تماشاخانه دولت و تبدیل آن به تکیه دولت، نمایش‌های مذهبی به شکل روضه‌خوانی، تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی با خوش‌لحن‌ترین آوازخوان‌ها در دوره ناصری به اوج رسید (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به هدایت ۱۳۶۳: ۸۷-۸۸).

بینش از تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی به‌عنوان «گونه‌ای موسیقی مذهبی» نام می‌برد (بینش ۱۳۸۰: ۱۷۹). آغاز ضبط صفحات گرامافون در ۱۲۸۷ ش نیز از رویدادهای منحصر به فرد دوره مظفرالدین شاه بود که مخاطبان موسیقی این دوره را بیش‌تر کرد. «ضبط نخستین دوره صفحات ایرانی از اجرای موسیقی، تئاتر و قطعات فکاهی حدود ده سال پس از مرگ ناصرالدین شاه آغاز و در اوایل دوره مشروطیت به بازار عرضه شد» (سپینتا ۱۳۷۷: ۱۲۴-۱۲۵).

کنسرت (از نخستین اجراهای کافه‌ای تا پارک‌ها و باغ‌های عمومی، سینماها، تئاتر باقراف و گراند هتل) نیز به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در دوره قاجار مخاطبان جدیدی را پرورش داد، تاجایی که موسیقی را از محافل خصوصی به فضای عمومی کشاند. «تا آن موقع رسم نبود موسیقی را برای توده مردم عرضه کنند و تنها در مجالس خلوت و انس اهل فن مطرح می‌شد» (آریان‌پور ۱۳۹۳: ۳۹). ظهیرالدوله مؤسس انجمن اخوت و طرفدار

مشروطیت «یکی از نخستین بانیان کنسرت در ایران بود» (خالقی ۱۳۶۲: ۸۳). با وجود آن که درآمد بسیاری از کنسرت‌های انجمن اخوت صرف امور خیریه می‌شد، محتوای بخش عمده‌ای از کنسرت‌های متفرقه به مسائل سیاسی مربوط بود» (میثمی ۱۳۹۴: ۹۸).

میثمی هم‌چنین پیدایی گونه‌های سازی پیش‌درآمد را یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اجراهای کنسرت می‌داند. «انسجام درونی برنامه‌ها با روند سلسله‌مراتب پیش‌درآمد، آواز (غزل‌خوانی)، تصنیف و رنگ در موسیقی ایرانی حاصل تجربه‌های اجراکنندگان این دوره است» (میثمی ۱۳۹۴: ۱۰۸). موسیقی دوره قاجار مبتنی بر تکنوازی و مهارت‌های شخصی نوازندگان است. ارکستراسیون یا سازآرایی در کنسرت‌هایی که در این دوره برگزار می‌شد، نظیر کنسرت‌های انجمن اخوت، معمولاً متشکل از سازهای تار، سه‌تار، ستور، تنبک، نی، ویولن، و پیانو بود. قطعاً ارکسترال، که با همراهی چند ساز اجرا می‌شود، تک‌صدایی بوده، به عبارتی، همه سازهای ارکستر خط مشابهی را می‌نوازند و کل ارکستر از ابتدا تا انتهای ملودی آن‌ها را اجرا می‌کنند. بنابراین، فرم موسیقی سنتی ایران در دوره قاجار از الگویی مونوفن یا تک‌صدایی تبعیت می‌کند.

با وجود ورود موسیقی کلاسیک غربی و استقبال از اجرای فرم‌هایی نظیر اپرا به دست هنرمندان خارجی، موسیقی ایرانی از ساختاری فاقد هارمونی بهره می‌برد. این همکاری بین هنرمندان حوزه نمایش و موسیقی جریان داشت. «می‌توان گفت بخش عمده معرفی موسیقی علمی در ایران دوره مشروطیت مرهون فعالیت گروه‌های تئاتری است که به اجرای اپرت^۵ پرداختند» (کوهستانی‌نژاد ۱۳۸۴: ۴۴).

۵. جایگاه عارف در موسیقی ایران و عصر مشروطه

ابوالقاسم عارف قزوینی فرزند ملاهادی وکیل، در حدود ۱۲۶۱ ش در قزوین متولد شد. اسلامی ندوشن در مقدمه کتاب‌نامه‌های عارف، او را «شاعر ملی» خواند: «برای آن که بیش از هر گوینده زمان خود آرزو و حسرت‌رهایی کشور را در کلام خود بازتاب داده است» (به‌خیال ۱۳۹۶: ۱۸).

عارف اولین تصنیف‌سازی است که مضامین اجتماعی و افکار سیاسی و انتقادی از اوضاع زمان خود را در لباس شعر و آهنگ آورده است. بعد از عارف کار تصنیف‌سازی از لحاظ شعر و آهنگ تقسیم شد ... علی‌اکبر شیدا تنها شاعر تصنیف‌سازی است که قبل از عارف می‌شناسیم (خالقی ۱۳۶۲: ۳۲).

وجه تمایز تصانیف عارف با آثار معاصران خود در آن است که ملودی تصنیف و شعر هر دو ساخته اوست. «عارف از قالب تصنیف برای ابراز مضامین ملی و وطنی بهره می‌جست» (منیب‌الرحمن ۱۳۷۸: ۱۲۳). «عارف در نخستین غزل‌های انقلابی خود، مستقیماً مساعی ملت را در راه آزادی با مشروطه‌خواهی، که زخم‌های ناشی از استبداد را التیام خواهد بخشید، مرتبط می‌سازد» (گامین ۱۳۵۷: ۳۵). روحیه انقلابی عارف به سبب اقتضائات سیاسی و اجتماعی دوره مشروطیت با بدبینی همراه بود. «این نزاع‌ها در کارنامه بسیاری از ادیبان و شاعران عصر مشروطه دیده می‌شود؛ اما عارف در این حوزه سرآمد است و کم‌تر کسی از انتقادهای بسیار تند او درامان مانده» (پورعظیمی ۱۳۹۴: ۱۳۶). «آخرین کنسرت عارف در ۱۳۰۳ ش با یاد محمد خیابانی و دیگر مبارزان آزادی در تبریز به روی صحنه رفت و دو سال بعد در خلوت تبعید آوازش را گم کرد» (برای آگاهی پیش‌تر، بنگرید به خسروی ۱۳۶۶). به این ترتیب، پس از سکوت عارف «قمرالملوک وزیر بیش‌ترین ترانه‌های عارف را خواند و صدای عارف شد» (برای آگاهی پیش‌تر، بنگرید به بدیعی ۱۳۵۴). عارف در بهمن ۱۳۱۲ ش دیده از جهان فروبست و در بقعه ابوعلی سینا به خاک سپرده شد.

به‌رغم این‌که در دوران مشروطیت، به‌عنوان مقطعی از دوره قاجار، انواع متعددی از موسیقی با کارکردهای متفاوت به‌موازات یک‌دیگر به حیات اجتماعی خویش ادامه می‌دادند، تصانیف ملی این دوره و در رأس آن‌ها تصانیف عارف قزوینی با توجه به قدرت و نظام سلطه موضوعیت پیدا کرده و در تثبیت مشروطیت و تقویت آزادی‌خواهی مؤثر بودند. موسیقی عارف که کارکردی اجتماعی - سیاسی دارد، به‌عنوان نماینده موسیقی مشروطه، موسیقی قاجار را از کارکرد شبه‌تاریخی خود در حرم‌سراها و محافل و مجالس خصوصی خارج می‌کند و در مواجهه با اجتماع و مردم به آن معنا می‌بخشد.

۶. اپیستمه دوران مشروطیت؛ گذار از سنت به مدرن

در این جستار، مجموعه روابطی را بررسی می‌کنیم که وحدت‌بخش کنش‌های گفتمانی دوره مشروطه‌اند. تحولات هم‌گرای سیاسی، اجتماعی، و تاریخی که در تغییر و تطور اپیستمه سنتی به اپیستمه مدرن مؤثر بوده‌اند، پدیدآورنده و نظام‌بخش اپیستمه دوران مشروطیت‌اند.

۱.۶ ایدئولوژی انقلاب مشروطیت

دوره قاجار، آغاز پیدایی جریان‌های اصلاح‌طلب، نوگرا و گسترش خردگرایی مدرن در ایران است. این نکته را نباید از نظر دور داشت که سیر فکری مشروطه‌خواهی، پیش از ایران در کشورهای اروپایی سابقه داشته است. تاریخ اندیشه سیاسی در ایران از آغاز دوره گذار تا جنبش مشروطه‌خواهی و پس‌از آن، بدون داشتن دریافتی هرچند اجمالی، اما لاجرم روشن و متمایز از دگرگونی‌های تاریخ اندیشه سیاسی در مغرب‌زمین امکان‌پذیر نخواهد شد (طباطبایی ۱۳۸۷: ۳۰).

از نظر طباطبایی تجددخواهان عصر مشروطیت اهل ایدئولوژی بودند؛ اما ایدئولوژی آن‌ها از تنگنای پیکار سیاسی فراتر نرفته است. «مشروطه‌خواهی با ایدئولوژی‌های جدید پیوند ناگسستنی دارد» (همان: ۱۶). بنابراین، اهتمام نهضت مشروطه در تغییر استبداد قاجاری با توجه به ایده‌ها و باورهای سیاسی این نهضت و چگونگی تسری آن در بطن جامعه معنا و تبیین می‌شود.

۱.۱.۶ ناسیونالیسم

«بسیاری از صاحب‌نظران، انقلاب کبیر فرانسه را سرآغاز پیدایی ناسیونالیسم می‌دانند» (کاتم ۱۳۷۸: ۳۳). نخستین ناسیونالیست‌های ایرانی از نخستین تجددطلبان این کشور محسوب می‌شوند که «درصد ایجاد حکومتی متمرکزند تا به عمر نظام فئودالی و فساد حکومتی پایان دهند» (همان: ۳۵). ناسیونالیسم ایرانی محصول اندیشه‌ای غربی است، اما درک ناسیونالیستی ایرانیان سده نوزدهم، همتای معاصران ناسیونالیست فرانسوی خود، مترادف با آگاهی ملی و استقرار مجدد عظمت فرهنگ ایرانی بود. به عبارتی، ناسیونالیسم ایرانی مدت‌ها پیش از مشارکت توده‌ها در امور سیاسی این کشور عامل تعیین‌کننده‌ای در «گرایش‌ها و رفتار سیاسی ایرانیان» به‌شمار می‌آمد (همان: ۳۴). یکی از اقتضائات عصر مشروطه جست‌وجوی هویت مستقل ایرانی، ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی است. «ایده آگاهانه انقلاب، با اندیشه محرک وطن‌پرستی توأم گردید و ثابت کرد می‌تواند در شکل‌دهی هویت ملی ایران، در دهه‌های آتی نقش سرنوشت‌سازی را ایفا کند» (امانت ۱۳۸۲: ۵۱).

۲.۱.۶ پارلمان‌تیسیم

پارلمان‌هیئتی است که برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها از سوی مردم برگزیده می‌شود نماد حاکمیت مردم یا دموکراسی است ... نخستین مجلس

قانون‌گذاری ایران، مجلس شورای ملی با صدور فرمان مشروطیت تشکیل شد (آشوری ۱۳۶۶: ۷۶-۷۷).

به‌زعم جهان‌بیگلو ظهور مفاهیم مدرنی نظیر قانون و برابری ارمان انقلاب مشروطیت بود.

پایه‌گذاری اولین مجلس و قانون اساسی (پارلمان)، از نگاهی نشئت گرفت که در پی احیای دوران تغییرات ژرف در جامعه ایرانی بود. عوامل خواستار این تغییر به چهارچوب سیاسی نوینی امیدوار بودند که ملت ایرانی را از مسلک باستانی خشونت‌آمیز خود جدا کرده، به‌نحو مؤثرتری به‌سوی حاکمیت قانون سوق دهد (Jahanbegloo 2013: 34).

بنابراین، برای اجرای اصلاحات اجتماعی، هر سه گروه از فرهیختگان سیاسی نهضت مشروطه یعنی روحانیون، بازاریان، و روشن‌فکران بر این اصل توافق داشتند که «شاه را به صدور فرمان مشروطیت، قانون اساسی و استقرار حکومت پارلمانی وادار نمایند» (کاتم ۱۳۷۸: ۳۶).

۳.۱.۶ دموکراتیسم

«منبع آرای دموکراتیک امروزی در چالشی در اروپای اوایل تجدد نهفته است» (اکشلال ۱۳۸۵: ۱۶۵) به‌زعم «آدمیت» طبقات مختلف اجتماعی با افق‌های فکری گوناگون در برپایی نهضت مشروطیت سهیم بودند، اما هسته تعقل اجتماعی و پایه ایدئولوژی مشروطیت بر پایه «دموکراسی سیاسی» بنا شد (آدمیت ۱۳۶۴: ۱۴۳) که «دموکراسی اجتماعی» از مظاهر آن به‌شمار می‌آمد (همان: ۲۶۹).

تفکر دموکراسی سیاسی براساس فردیت، انتخابات آزاد همگانی، و آزادی‌های اجتماعی شکل گرفت. «جلوه‌اش نظام پارلمانی است. منشأ دموکراسی اجتماعی اصلت جمع است، پایه‌اش عدالت اجتماعی، از میان‌بردن نابرابری‌های اجتماعی، مساوات اقتصادی، و بالاخره اجتماعی ساختن قدرت اقتصادی و سیاسی» (همان: ۲۶۹). در این زمینه، می‌توان به حزب دموکرات اشاره کرد که در واقع ادامه فرقه اجتماعیون — عامیون تبریز بود. در بخشی از مرام‌نامه حزب دموکرات، که توجیهی اسلامی از مرام دموکرات‌ها و حمایت از اصل مساوات و حقوق برابر است، ذکر شده است: «مقصد فرقه دموکرات، محافظت اصول مشروطیت عامه است در ایران، مبتنی بر ترتیب انتخاب عمومی و انعقاد و فسخ امتیازات و

صفوف ممتازه» (اتحادیه ۱۳۶۱: ۵۳). روشن‌گری در حوزه‌های متعدد فرهنگی زمینه‌های پیدایی جریان مدرن و متجدد در جامعه سنت‌زده قاجار را هموار کرد و به آن سرعت بخشید. «مرادِ برخی از تجدّد جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک، عرفی و عقل‌گرا بود» (میلانی ۱۳۸۷: ۱۲).

۴.۱.۶ لیبرالیسم

«آزادی‌خواهی و ویژگی و هدف مشترک با درجات مختلف همه گروه‌های مختلف اجتماعی مخالف استبداد مطلقه قاجار را در بر گرفته بود» (آجودانی ۱۳۹۶: ۶۸). میرزا فتحعلی آخوندزاده یکی از روشن‌فکران مشروطیت و مدافعان تمایلات آزادی‌خواهانه در چهارچوب لیبرال دموکراسی، رستن از ظلم را در گرو لیبرال‌بودن می‌داند. «لیبرال‌بودن نمی‌شود مگر با رستن از عقاید باطل» (آدمیت ۱۳۴۵: ۱۴۸). قدرت سیاسی دوره قاجار تا قبل از انقلاب مشروطیت از عرف و ساختار ویژه‌ای تبعیت نمی‌کرد. «قانون همان اوامر حاکم بود که به‌طور مستقیم صادر می‌شد ... در چنین ساختاری منافع فردی و شخصی شاه بر مصالح عمومی جامعه اولویت داشت» (کاتوزیان ۱۳۷۲: ۴).

۵.۱.۶ سوسیالیسم

«کلمات سوسیالیسم و سوسیالیست اواخر دهه ۱۸۲۰ یا اوایل دهه ۱۸۳۰ در بریتانیا و فرانسه پیدا شد» (اکلشال ۱۳۸۵: ۱۳۱). انتقاد سوسیالیست‌ها بر مبنای برابری‌خواهی شکل گرفت. از منظر سوسیالیسم، نظام سرمایه‌داری نظام اقتصادی نابرابری است که ثروت و قدرت را در دست‌های اقلیت متمرکز کرده است.

مهم‌ترین عنصر مشترک نظریه‌های سوسیالیست تکیه بر برتری جامعه و سود همگانی بر فرد و سود فردی است ... نخستین سوسیالیست‌ها به یک سیستم اجتماعی اعتقاد داشتند و آنچه همگی یک‌زبان با آن مخالف بودند، نظام فردی اقتصاد موجود بود (آشوری ۱۳۶۶: ۲۰۴-۲۰۵).

دی ماه ۱۲۸۵، در خلال مبارزات مشروطه‌خواهان بر سر تحصیل قانون اساسی، گروه سوسیال دموکرات تبریز تشکیل شد. «گروه سوسیال دموکرات تبریز نقش مهمی را در طول تاریخ مشروطه بازی کرد» (ورهام ۱۳۶۹: ۳۲۳).

۶.۱.۶ سکولاریسم

«این مجموعه ایدئولوژیکی مشروطه‌خواهانه بر جدایی دین از سیاست تشکیل می‌شد؛ درحالی‌که چنین جدایی با اندیشه اسلامی بیگانه است» (کاتم ۱۳۷۸: ۳۸). نهضت مشروطه در ابتدای پیدایش تضاد با شریعت نداشت، با وجود این، نمی‌توان آن را نهضت دینی به‌شمار آورد؛ زیرا به تدریج مفاهیمی نظیر «آزادی، توده، ملت، کشور و مساوات وارد گفتمان سیاسی مشروطه شد که چندان نسبتی با شریعت نداشت» (زیباکلام ۱۳۹۳: ۳۹۶).

به تعبیر طرفه، مشروطه‌خواهان برای دستیابی به مطالبات سیاسی و اجتماعی شان سه راه‌کار داشتند. «ابزار آزادی‌خواهان ایران برای مبارزه با استبداد سلطنتی، تعصب مذهبی و امپریالیسم خارجی؛ به ترتیب مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم است» (Torfeh 2005: 135). البته، ابزار «مشروطیت» سایر مؤلفه‌های یادشده نظیر لیبرالیسم، دموکراتیسم، سوسیالیسم، و پارلمانتیسم را در بطن خود جای می‌داد. به عقیده آبراهامیان ادعای روشن‌فکران مبتنی بر مهارت و کاردانی‌شان در سامان‌بخشیدن جامعه‌ای مدرن بود. «بنابراین، طبقه روشن‌فکر، مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم را سه ابزار کلیدی برای ساختن جامعه‌ای نوین، قدرت‌مند و توسعه‌یافته به‌شمار می‌آورد» (آبراهامیان ۱۳۸۹: ۸۰).

۲.۶ مؤلفه‌های ایستمه گذار از سنت به مدرن

در این پیوند، با توجه به موارد تاریخی و سیاست‌های هنری، فرهنگی، و اجتماعی (بخش ۴ مقاله)، دوران مشروطیت ایدئولوژی و مؤلفه‌های سیاسی مشخصی را تکوین و تحقق بخشیده است.

با ورود اصطلاحات و مفاهیم جدید و نقد سنت، نقد حاکم و مذهب، آگاهی‌های جدیدی وارد جهان زیست ایرانی شد و دیگر رسالت آگاهی‌بخشی را تنها علما برعهده نداشته‌اند، بلکه روشن‌فکران نیز از آگاهی‌بخشان زیست جهان ایرانی شدند (کیخا ۱۳۸۸: ۹۶).

جهان‌بینی روشن‌فکران جدید با روشن‌فکران قدیم درباری تفاوتی بنیادین داشت. «اصول لیبرالیسم، ناسیونالیسم و حتی سوسیالیسم را تبلیغ می‌کردند ... اصول برابری، آزادی و برادری را می‌ستودند» (آبراهامیان ۱۳۸۹: ۶۶).

تلاش در حرکت و تغییر حکومتِ شاهی - استبدادی یا «تفکر شاهی - ایرانی» (بشیریه ۱۳۸۱: ۶۵) به حکومت شاهی - مشروطه، و عبور جامعه از وضعیتی منولوگ به دیالوگ، قاعدتاً روح زمانه مشروطیت را با مفاهیم و مؤلفه‌هایی درآمیخت. «طرح مفاهیم جدید در نهضت مشروطه هم‌چون قانون، پارلمان، نظارت، مشارکت و برابری سرآغازی برای تحول جامعه‌ی شخص‌محور و استبدادزده ایران بود» (کیخا ۱۳۸۸: ۷۳). به این ترتیب، شبکه‌ای از اصطلاحاتِ غربی، که فلسفه‌ی سیاسی مشروطه‌خواهی بر آن استوار بود، به‌منزله‌ی دستگاه مفاهیم تجدیدخواهی وارد فرهنگِ سیاسی ایران شد. بدین‌صورت، از عباراتِ مصطلح خوانشی جدید ارائه شد. «معنای استبداد از پادشاهی به «پادشاهی مستبد»، مفهوم ملت از «جامعه‌ی دینی» به مفهوم غیردینی «ملیت» و مفهوم مردم از «مردم» بدون معنای سیاسی به «مردم» دارای معنای ضمنی دموکراتیک و میهن‌پرستانه تغییر یافت» (آبراهامیان ۱۳۸۹: ۸۰). پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، حتی شهروندان آگاه از سیاست، به‌سختی معنای مفاهیمی نظیر لیبرالیسم، دموکراسی، و ناسیونالیسم را می‌دانستند؛ از این‌رو، «نباید از نقش روشن‌فکر[ان] در تفهیم این معانی به شهروندان غافل بود» (کاتم ۱۳۸۷: ۴۰). به این ترتیب، تحولات نهضتِ مشروطیت مبتنی بر ترویج فرهنگِ تعقل و اندیشه‌ورزی بود.

اپیستمه‌ی دوره‌ی مشروطیت منظومه‌ای از مناسباتِ سیاسی - اجتماعی حاکم بر این دوره‌هاست که دانش مورد‌نظر این مطالعه (ادبیات و موسیقی) از بطن آن زاده می‌شود. بنابراین، شبکه‌ای از مفاهیم در مطالبات و مناسباتِ سیاسی - اجتماعی حاکم بر این دوره مطرح شد که محور اصلی گفتمان مشروطیت را بنا نهاد. این مؤلفه‌ها اصطلاحات و مفاهیم بنیادینی‌اند که اپیستمه‌ی دوران مشروطیت براساس آن‌ها قوام یافته است. قاعده‌بندی گفتمانی مذکور سازگار با دوره‌ی مشروطه و هویت‌بخش آن است و بدیهی است که آن را از دوره‌های پیش و پس از خود متمایز می‌کند. مؤلفه‌های این اپیستمه عبارت‌اند از: لیبرالیسم، ناسیونالیسم، سکولاریسم، سوسیالیسم، دموکراتیسم، و پارلمانتیسم. اپیستمه‌ی «دوره‌ی گذار از سنت به مدرن»، راه‌بردهای گفتمانیِ دوره‌ی مشروطیت را بر مبنای شبکه‌ای از مفاهیم و مؤلفه‌های نام‌برده سامان می‌بخشد.

۷. بحث و تحلیل

۱.۷. تصنیف‌شناسی

سیزده تصنیف از دیوان تصانیفِ ملی عارف را، که در دوران مشروطیت سروده، آهنگ‌سازی و اجرا شده است، به‌عنوان نمونه‌های منتخب از تصانیف دوره‌ی قاجار و

تحلیل گفتمان تصانیف عارف قزوینی در دوران مشروطیت ... ۴۱

موسیقی دوره مشروطه (۱۲۸۷-۳۱۳۰ ق) انتخاب کردیم. این تصانیف‌ها به‌مثابه مقطع جریان‌ساز از تاریخ موسیقی ایران محسوب می‌شوند.

تصنیف ۱: «مشروطه»

ای آمان از فراق، آمان مُردم از اشتیاق، آمان
از که گیرم سراغت، آمان مژده ای دل که جانان آمد
یوسف از چه به کنعان آمد دور مشروطه‌خواهان آمد

(عارف ۱۳۹۵: ۳۰۴؛ پایور ۱۳۷۸: ۳۷۹)

«اول تصنیف که بعد از مرحوم شیدا در تهران، در ورود فاتحین ملت به تهران سروده‌ام» (همان). تصنیف دوم از دیوان عارف، در استقبال از مشروطه‌خواهان و با تأکید بر عبارات، اشارات و مضامین ملی-ادبی ساخته شد. در معنای واژه «مشروطه» آزادی‌خواهی و پارلمانتیسم (انتقال قدرت به مجلس شورا) مستتر است.

تصنیف ۲: «دل هوس»

دل هوس سبزه و صحرا ندارد میل به گل‌گشت و تماشا ندارد ...
خانه ز همسایه بد در امان نیست حب وطن در دل بدفطرتان نیست

(عارف ۱۳۹۵: ۳۱۱؛ پایور ۱۳۷۸: ۲۴۰)

تصنیف هفتم از مجموعه تصانیف عارف، با تأکید بر آگاهی ملت از دخالت روسیه در سیاست‌گذاری‌های ایران، هنگام ورود محمدعلی‌شاه مخلوع با تحریک روس‌ها به گموش‌تپه ساخته شد. شعر برای تأثیرگذاری بیش‌تر با گونه‌ای از استفهام همراه است. ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی، و دست‌یابی به مجلس یا نظام پارلمانتیسم از مضامین غالب در گفتمان این تصنیف است.

تصنیف ۳: «شوستر»

نگ آن خانه که مهمان ز سر خوان برود جان نثارش کن و مگذار که مهمان برود
گر رود شوستر از ایران رود ایران بر باد ای جوانان مگذارید که ایران برود

(عارف ۱۳۹۵: ۳۱۳-۳۱۵؛ پایور ۱۳۷۸: ۳۲۸)

این تصنیف به‌دلیل اولتیماتوم روسیه، مبنی بر اخراج مورگان شوستر از ایران ساخته شد. پذیرش اولتیماتوم دولت روسیه از طرف مجلس دوره دوم، اصلاح امور اقتصادی

کشور را متزلزل کرد و «موجب سرخوردگی ناسیونالیست‌ها گردید» (کاتم ۱۳۷۸: ۸). در این تصنیف، عارف دین‌داری ایرانیان را در دست تطاول قانون‌گذاران می‌بیند. سکولاریسم، ملی‌گرایی، و تأکید بر نظام پارلمانی با واژه‌هایی نظیر رأی، حزب، وزیر، جامعه‌باوری و تأکید بر مردم‌سالاری همراه است. این واژه‌ها از مؤلفه‌هایی است که به تصنیف شکل داده است.

تصنیف ۴: «از خون جوانان وطن»

هنگام می و فصل گل و گشت چمن شد دربار بهاری تهی از زاغ و زغن شد ...
از خون جوانان وطن لاله دمیده از ماتم سرو قدشان سرو خمیده
(عارف ۱۳۹۵: ۳۱۶-۳۱۸؛ پایور ۱۳۷۸: ۳۲۵)

این تصنیف در دوره دوم مجلس شورای ایران، به‌یاد شهدای راه آزادی در آذربایجان و گیلان ساخته شد. آزادی‌خواهی، ملی‌گرایی، اشاره به نظام پارلمانیسم، تأکید بر هم‌بستگی، تشریک مساعی، و مردم‌سالاری مضامینی است که به تصنیف سامان می‌بخشد.

تصنیف ۵: «استقلال ارمنستان»

بماندیم ما و مستقل شد ارمنستان زبردست شد زبردست زبردستان
(عارف ۱۳۹۵: ۳۴۰-۳۴۲؛ پایور ۱۳۷۸: ۳۵۸)

تصنیف نوزدهم عارف به‌دلیل استقلال ارمنستان سروده شد. گفتمان موسیقی در این تصنیف برساخته مفاهیمی هم‌چون آزادی‌خواهی، ملی‌گرایی، مردم‌سالاری، و جامعه‌باوری است.

تصنیف ۶: «شاه‌ناز»

چه شورها که من به پا ز شاه‌ناز می‌کنم در شکایت از جهان به شاه‌باز می‌کنم
(عارف ۱۳۹۵: ۳۴۳-۳۴۶؛ پایور ۱۳۷۸: ۴۰۱)

تصنیف بیستم از دیوان عارف به‌سبب تصمیم دولت عثمانی در تصرف آذربایجان سروده شد. دست‌یابی به نظام پارلمانی درمقابل حکومت استبدادی شاه، مردم‌سالاری و ملی‌گرایی، جامعه‌باوری، برابری، و آزادی‌خواهی از مضامین غالب در این تصنیف به‌شمار می‌آید.

تصنیف ۷: «گریه را به مستی»

گریه را به مستی بهانه کردم شکوه‌ها ز دست زمانه کردم
آستین چو از چشم برگرفتم سیل خون به دامان روانه کردم

(عارف ۱۳۹۵: ۳۲۶-۳۲۹؛ پایور ۱۳۷۸: ۳۲۷)

تصنیف دوازدهم از دیوان عارف، هنگام اقامت ناصرالملک نایب‌السلطنه در اروپا ساخته شد. مضامینی نظیر آزادی خواهی، ملی‌گرایی، و تأکید بر انتخاب و نظام پارلمانی این تصنیف را صورت‌بندی کرده است.

تصنیف ۸: «آذربایجان»

جان برخی آذربایجان باد

این مهد زردشت، مهد امان باد ... کلید ایران تو، شهید ایران تو

(عارف ۱۳۹۵: ۳۴۹؛ پایور ۱۳۷۸: ۴۳۱)

تصنیف بیست‌وسوم از دیوان عارف هنگام قیام آذربایجان و ریاست وزرایی و ثوق‌الدوله، ساخته شد. تأکید این تصنیف بر ملی‌گرایی است.

تصنیف ۹: «علیه قاجاریه»

رحم ای خدای دادگر کردی نکردی ابقا به اعقاب قجر کردی نکردی
با مجلس شورا ز عارف گو جز این کار فردا اگر کاری دگر کردی نکردی

(عارف ۱۳۹۵: ۳۵۲-۳۵۳؛ پایور ۱۳۷۸: ۳۰۴)

آزادی خواهی، ملی‌گرایی، و دست‌یابی به مجلس شورا از مؤلفه‌هایی است که این تصنیف را سامان می‌بخشد.

تصنیف ۱۰: «گریه کن»

گریه کن که گر سیل خون گری ثمر ندارد ناله‌ای که ناید ز نای دل اثر ندارد ...
مملکت دگر نخل بارور کو دهد ثمر جز تو هیچ، یک نفر ندارد

(عارف ۱۳۹۵: ۳۵۳-۳۵۵؛ پایور ۱۳۷۸: ۳۲۹)

این تصنیف از تأثیرگذارترین تصانیف عارف است که در سوگ و رثای دوست شهیدش، کلنل محمدتقی خان، ساخته شد.^۸ ملی‌گرایی، مردم‌سالاری، جامعه‌باوری و اشاره به نظام پارلمانی درمقابل نظام سلطنت‌محور از مضامین این تصنیف است.

تصنیف ۱۱: کابینه سیاه

ای دست حق پشت و پناهت بازاً چشم آرزومند نگاهت بازاً
وی توده ملت سپاهت بازاً قربان کابینه سیاهت بازاً

(عارف ۱۳۹۵: ۳۵۵؛ پایور ۱۳۷۸: ۴۳۷)

تصنیف بیست و هفتم از دیوان عارف برای خدمات مؤثر ضیاء‌الدین طباطبایی ساخته شد. «اشراف کابینه او را کابینه سیاه نام نهادند» (ذاکر حسین ۱۳۷۷: ۵۳۰). این تصنیف بر مضامینی هم‌چون ملی‌گرایی، مردم‌سالاری، جامعه‌باوری، و مجلس‌سامان یافته است.

تصنیف ۱۲: «قید نقاب»

تارخت مقید نقاب است دل چو پیچ‌هاست به پیچ و تاب است
مملکت چو نرگست خراب است چاره‌خرابی انقلاب است

(عارف ۱۳۹۵: ۳۵۹-۳۶۰؛ پایور ۱۳۷۸: ۱۹۰)

تصنیف بیست و هشتم از دیوان عارف با تکیه بر بیگانه‌ستیزی، روشن‌بینی، و درستی انتخاب سروده شده است. گفتمان این تصنیف بر پایه مؤلفه‌هایی نظیر ملی‌گرایی، جامعه‌باوری، و نظام پارلمانی شکل گرفته است. عارف برای بیان مقصود خویش، از واژگانی چون پرده حجاب، نقاب، پیچه، و عقل استفاده می‌کند و مضامینی را مطرح می‌کند که بر سکولاریسم استوار است.

تصنیف ۱۳: «ظلم خزان»

باد خزانی، زد ناگهانی، کرد آنچه دانی

برهم زد ایام نشاط و روزگار کامرانی ... تا عید جمشید، تا شیر و خورشید، باقیست امید

(عارف ۱۳۹۵: ۳۷۰-۳۷۱؛ پایور ۱۳۷۸: ۴۳۹)

«ظلم خزان» تصنیف آخر از دیوان عارف است. او در ضمن شیکوه از گذر عمر خود، به مردم فتح و بهار را مژده می‌دهد. عارف در این تصنیف، برای بیان مضامین میهن‌پرستانه از تاریخ اسطوره‌ای ایران استفاده می‌کند. در واقع ملی‌گرایی اساس گفتمان این تصنیف را تشکیل می‌دهد.

۲.۷ خوانش تصانیف

جدول تحلیلی تصانیف مشخصات سیزده تصنیف عارف را به ترتیب تاریخ ساخت آثار نشان می‌دهد. بدین ترتیب، در فضای معنایی تصانیف کندوکاو می‌کنیم. تحلیل گفتمان اساساً خوانشی تفسیری است و موسیقی مشروطه یا تصانیف متونی موقعیت‌مندند که به‌عنوان ابژه محصول این دوره شناسایی می‌شوند. کلیدواژه‌های مستخرج از متن تصانیف بر مضمون و محتوای هریک از آثار تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که متن تصانیف مقوم چه گفتمانی است. مؤلفه‌های ایستمه دوران مشروطیت ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم، سوسیالیسم، دموکراتیسم، و پارلمانتیسم‌اند. این مؤلفه‌ها، که زمینه‌ساز شرایط اجتماعی - سیاسی مؤثر در تولید گفتمان موسیقی مشروطه‌اند، در تصانیف عارف درخور توجه‌اند. بنابراین، در این مرحله، نسبت میان موسیقی و ایستمه دوره مشروطیت بررسی می‌شود.

گفتمان موسیقی در تصانیف به‌منزله نظام معنایی برساخته جامعه است که با جهان معنایی دوره مشروطه ارتباطی سامان‌یافته دارد. گفتمان محل تلاقی و دیدار موسیقی و قدرت است. آن‌جا که از قدرت به‌عنوان شبکه مولد و سوژه تمرکززدایی شده است، گفتمان در کسوت گستره‌ای از گزاره‌های موسیقایی سر بر می‌آورد.

باتوجه به جدول تحلیلی تصانیف، کردارهای موسیقایی معینی با مضامین مشابه و مشترک از دل این ایستمه زاده شده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. این ایستمه وحدت‌بخش کنش‌های گفتمانی مشخصی در تصانیف دوره مشروطیت است. به‌عبارتی، همان قواعد صورت‌بندی و مؤلفه‌هایی که مقوم ایستمه دوره مشروطیت‌اند به اشعار تصانیف شکل می‌دهند و شرایط تشکیل گفتمان موسیقی در این تصانیف را رقم می‌زنند. مرکزیت قدرت در صورت‌بندی و آرایش گفتمان موسیقی نمایان‌گر ویژگی قدرت‌محور موسیقی است.

جدول ۱. تحلیل تصانیف

نام تصنیف	دستگاه	تاریخ	مضمون؛ کلیدواژه	گفتمان موسیقی
۱ مشروطه	شور	تابستان ۱۲۸۸	مشروطه‌خواهان، یوسف، کنعان	ناسیونالیسم، لیبرالیسم، پارلمانتیسم
۲ دل هوس	ابوعطا	تابستان ۱۲۹۰	ظلم، حب وطن، مشروطه، اجانب، ایران	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، پارلمانتیسم
۳ شوستر	دشتی	پاییز ۱۲۹۰	ایران، مملکت، وزیر، دشمن، تقسیم، حزب، رای، هم‌دستی ما	ناسیونالیسم، سکولاریسم، دموکراتیسم، پارلمانتیسم، سوسیالیسم

۴	از خون جوانان وطن	دشتی	زمستان ۱۲۹۰	خون، وطن، وکیل، وزیر، ویران، فقیر، امیر	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، سوسیالیسم، دموکراتیسم، پارلمانتیسم
۵	استقلال ارمنستان	سه‌گانه	بهار ۱۲۹۷	مستقل، شاه، وارث، ایران، ملک جم، معارف، مالیه، قشون	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، سوسیالیسم، دموکراتیسم
۶	شهناز	شور	تابستان ۱۲۹۷	شاه، اجنبی، سیاوش، اکثریت، مساوات، حکومت موقتی، مجلس شورا	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، دموکراتیسم، سوسیالیسم، پارلمانتیسم
۷	گریه را به مستی	دشتی	تابستان ۱۲۹۸	شکوه، دور انتخاب، مملکت، چرخ دون،	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، پارلمانتیسم
۸	آذربایجان	افشاری	بهار ۱۲۹۹	ایران، زردشت، شهید، نیکان، خاک	ناسیونالیسم
۹	علیه قاجاریه	بیات ترک	تابستان ۱۳۰۰	ایران، شاه، ملک کیانی، مجلس شورا	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، پارلمانتیسم
۱۰	گریه کن	دشتی	زمستان ۱۳۰۰	شاه، شیخ، دزد، دادخواه، دولت، وکیل، کارگر، سلطنت	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، دموکراتیسم، سوسیالیسم، پارلمانتیسم
۱۱	کابینه سیاه	دشتی	تابستان ۱۳۰۱	توده ملت، اشراف، مجلس، ایران	ناسیونالیسم، دموکراتیسم، سوسیالیسم، پارلمانتیسم
۱۲	قید نقاب	اصفهان	زمستان ۱۳۰۱	مملکت، انتخاب، انقلاب، عقل، حجاب	لیبرالیسم، ناسیونالیسم، سوسیالیسم، دموکراتیسم، پارلمانتیسم، سکولاریسم
۱۳	ظلم خزان	افشاری	زمستان ۱۳۰۳	ایران، شیر و خورشید، درفش کابوینی	لیبرالیسم، ناسیونالیسم

۸. نتیجه‌گیری

رابطه قدرت و موسیقی، ویژگی قدرت‌محور تصانیف، و ارتباط آن با نظام‌های حقیقت چشم‌گیر است. پیدایی تصانیف دوره مشروطه و گسترش آن‌ها با نظام سلطه در دوره قاجار پیوند برقرار کرده و با روابط قدرت درآمیخته است. به این ترتیب، در این گذار، شبکه قدرت دوره قاجار توانسته است صورت موسیقی خاصی را بیافریند. به عبارتی عملکرد قدرت در دوران مشروطیت به کردارهای موسیقایی خاصی تعین بخشیده است. تصانیف برگزیده ملی بر مضامینی نظیر استبدادستیزی، ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی، روشن‌گری مذهبی، جامعه‌باوری، مردم‌سالاری، و عقل‌مداری تکیه می‌کنند. ساختار

مونوفن و تک‌خطی در این تصانیف، به تعبیری می‌تواند معلول سیطرهٔ تک‌صدایی و استبداد این دوره باشد. به این ترتیب، آرایش گفتمانی موسیقی نمایان‌گر ویژگی قدرت‌محور موسیقی است.

از نظر فوکو، قدرت سلطهٔ یک گروه یا شخص بر دیگران نیست، بلکه قدرت به‌مثابهٔ سازمان شبکه‌ای عمل می‌کند. با علم به این‌که گفتمان‌ها در این شبکه، می‌توانند همواره در معرض فروپاشی قرار گیرند، گفتمان‌های حامل مفاهیم ملموس‌تر، از اقبال عمومی بیش‌تری نزد مخاطبان برخوردارند. به این ترتیب، نخستین شیوه‌ای که برای بیان مضامین میهنی به‌کار گرفته شد شیوهٔ غزل قدیم است. در دوران مشروطیت ساختار شعر به تدریج از دیکتاتوری فرم رها شد و شعر تصانیف هم‌ذات و هم‌پسته با سیاست ظهور کرد. اکثریت مخاطبان این آثار معترضان و آزادی‌خواهان را عموم مردم تشکیل می‌دادند. بنابراین، به تدریج زبان ساده‌تری برای بیان مضامین ملی به‌کار گرفته شد. تحلیل نسبت میان اپیستمهٔ دوران مشروطیت و گفتمان موسیقی این دوره نشان‌دهندهٔ ارتباط مستقیم و تأثیرپذیری ابژهٔ موسیقی از اپیستمهٔ این دوره است.

باتوجه به ستون گفتمان موسیقی در جدول تحلیلی تصانیف، اشعار این تصانیف به‌ترتیب فراوانی مقوم گفتمان ناسیونالیسم، لیبرالیسم، پارلمانیسم، دموکراسیسم، سوسیالیسم، و سکولاریسم هستند. شش گفتمان ذکرشده، در تصانیف میهنی مشروطه، بازتاب و بیان‌گر اپیستمه یا نظام‌ها و سامانه‌های دانایی حاکم بر دوران مشروطیت‌اند و راهبردهایی برای برون‌رفت از آن بحران تاریخی را پیش‌نهاد می‌کنند. گفتمان ناسیونالیسم‌محور همهٔ تصانیف را سامان بخشیده است و سکولاریسم به‌عنوان مؤلفه‌ای از اپیستمهٔ دوران گذر از سنت به مدرن، فقط در گفتمان دو تصنیف قابل‌رہ‌گیری است. حضور اندک گفتمان سکولار در تصانیف می‌تواند مؤید این مطلب باشد که موسیقی مشروطه، به مظاهر ارزش‌های دینی و مفاهیم مبتنی بر جدایی دین از سیاست، کم‌تر به‌عنوان راه‌برد نهضت مشروطیت توجه کرده است.

در جنبش مشروطه، گفتمان موسیقی ایران با اشعار و تصانیف انقلابی موسیقی‌دان‌هایی نظیر عارف قزوینی متحول شد. ظهور این گفتمان‌ها در اپیستمهٔ دوران مشروطه، در تهییج مردم و پیروزی مشروطیت مؤثر بود. از ویژگی‌های این دوره، می‌توان به تغییر جایگاه شعر و موسیقی، صورت‌بندی نو در تصانیف و اشعار براساس ملی‌گرایی، مردم‌سالاری، آزادی‌خواهی، نقد قدرت، و شکل‌گیری موسیقی مبتنی بر موسیقی غربی اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «روزنامه هفتگی انتقادی صوراصرافیل توسط میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم‌خان تبریزی در آغاز نهضت مشروطیت تأسیس شد» (صدر هاشمی ۱۳۲۷: ۱۳۰).
۲. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی سردبیران این روزنامه انتقادی و معترض بودند. «این نشریه به تنهایی کار یک حزب را می‌کرد» (لنگرودی ۱۳۷۰: ۲۵).
۳. میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله این روزنامه را در لندن منتشر می‌کرد. «انتشار قانون از دو نظر حائز اهمیت است: نخست، از نظر تأثیر مثبتی که در تنویر افکار ایرانیان داشت و دوم، از لحاظ تأثیر قابل توجه آن روی نثر فارسی در جهت ساده‌نویسی» (حاج سیدجوادی ۱۳۸۲: ۷۵).
۴. «این نامه هفتگی که از همه روزنامه‌های آن زمان بزرگ‌تر و به نام‌تر می‌بود، در هندوستان چاپ شده و آزادی برای سخن‌راندن می‌داشت» (کسروی ۱۳۵۷: ۲۸۴).
۵. اپرا (opera) فرم اصلی تئاتر لیریک است، درام بزرگی است که تمامی نقش‌های آن ضمن بازی خوانده می‌شود. در اواسط قرن نوزدهم، اپرت (operette) از اپرا کمیک به وجود آمد (هودیه ۱۳۸۹: ۸۸، ۹۴).
۶. «آگاهی ملی ... ناسیونالیسم به عنوان آگاهی گروهی، حس هم‌بستگی و یگانگی پدید می‌آورد که از اشتراک در عواملی مانند زبان، ارزش‌های اخلاقی، دین، ادبیات، سنت‌های تاریخی، تاریخ، نمادها، و تجربه‌های مشترک سرچشمه می‌گیرند» (آشوری ۱۳۶۶: ۳۲۰).
۷. عقیده‌ای است مبتنی بر جدایی نهادهای حکومتی از نهادهای مذهبی.
۸. «آخرین کلام محمدتقی‌خان پسیان به مادرش: گریه کردن برای کسانی که در راه میهن کشته می‌شوند، گناهی نابخشودنی است» (ناهد ۱۳۶۰: ۸۸).

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نی.
- آجودانی، لطف‌الله (۱۳۹۶)، *روشن‌فکران ایران در عصر مشروطیت*، تهران: اختران.
- آجودانی، ماشالله (۱۳۹۶)، *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- اختیاری، زهرا و مرادعلی واعظی (۱۳۸۷)، «نقش مخاطب در تحول شعر مشروطه»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ش ۱۶۰.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۵)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران: خوارزمی.

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۴)، *ایدئولوژی نهضت مشروطه*، ج ۱، سوئد: کانون کتاب ایران.
- آدوی یل، م. ویکتور (۱۳۹۰)، *مجموعه مقالات موسیقی ایرانی؛ موسیقی ایرانی موسیقی نزد ایرانیان* (در ۱۸۸۵ میلادی)، ترجمه حسینعلی ملاح، تهران: طبع و نشر.
- آرین پور، امیر اشرف (۱۳۹۳)، *موسیقی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران*، تهران: متن.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۴)، *دانش نامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۲)، *بازاندیشی زبان فارسی*، تهران: مرکز.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *مرام نامه ها و نظام نامه های احزاب سیاسی در ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی*، تهران: تاریخ ایران.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۵۶)، *جام جهان بین*، تهران: ایران مهر.
- اکلشال، رابرت، ریچارد جی، و دیگران (۱۳۸۵)، *مقدمه ای بر ایدئولوژی های سیاسی*، ترجمه محمد قائد، تهران: مرکز.
- امانت، عباس (۱۳۸۲)، *انقلاب مشروطیت (از سری مقالات دانش نامه ایرانیکا)*، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- امینی، علی اکبر (۱۳۹۰)، *گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب*، تهران: اطلاعات.
- بدیعی، نادره (۱۳۵۴)، *تاریخچه ای بر ادبیات آهنگین ایران*، تهران: روشن فکر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *دیباچه ای بر جامعه شناسی ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- بهار، ملک الشعرا (۱۳۷۵)، *سبک شناسی*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- به خیال، مهدی (۱۳۹۶)، *نامه های عارف قزوینی*، تهران: هرمس.
- بینش، تقی (۱۳۸۰)، *تاریخ مختصر موسیقی ایران*، تهران: هوای تازه.
- پایور، فرامرز (۱۳۷۸)، *ردیف آوازی و تصنیف های قدیمی به روایت استاد عبدالله دوامی*، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ماهور.
- پورعظیمی، سعید (۱۳۹۴)، «دلایل انزوای عارف قزوینی بر اساس مناسبات او با معاصرانش»، فصل نامه تخصصی نقد ادبی، س ۸، ش ۲۹.
- جعفری، مسعود (۱۳۸۶)، *سیر رومانسیسم در ایران: از مشروطه تا نیما*، تهران: مرکز.
- حاج سیدجوادی، حسن (۱۳۸۲)، *بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران*، تهران: گروه پژوهش گران ایران.
- حجاریان، محسن (۱۳۹۲)، *موسیقی و شعر: تفاوت و طبقه بندی*، تهران: رشد آموزش.

خاتمی، احمد و کاظم دزفولیان (۱۳۹۴)، «بررسی ناسیونالیسم ایرانی و عربی و بازتاب آن در شعر مشروطه ایران و نهضت عرب»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، س ۵، ش ۱۷.

خالقی، روح‌الله (۱۳۶۲)، *سرگذشت موسیقی ایران*، تهران: صفی‌علی‌شاه.

خالقی، روح‌الله (۱۳۸۵)، *نظری به موسیقی ایرانی*، تهران: رهروان پویان.

خسروی، رکن‌الدین (۱۳۶۶)، «آواز گمشده»، *مجله چیستا*، ش ۳.

درویشی، محمدرضا (۱۳۹۴)، *نگاه به غرب؛ بحثی در تأثیر موسیقی غرب بر موسیقی ایران*، تهران: ماهور.

ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷)، *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، از استقرار مشروطیت تا خلع قاجار ۱۲۸۵-۱۳۰۴*، ج ۱، تهران: علم.

رامین، علی (۱۳۹۳)، *مبانی جامعه‌شناسی هنر*، تهران: نی.

راوندی، مرتضی (۱۳۷۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۸، تهران: نگاه.

راهگانی، روح‌انگیز (۱۳۷۷)، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران: پیش‌رو.

رحیمی، مصطفی (۱۳۸۹)، *قانون اساسی مشروطه ایران و اصول دموکراسی*، تهران: نیلوفر.

زیباکلام، صادق (۱۳۹۳)، *سنت و مدرنیته؛ ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*، تهران: روزنه.

سپنتا، ساسان (۱۳۷۷)، *تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران*، تهران: ماهور.

شایگان، داریوش (۱۳۸۰)، *بت‌های ذهنی و خاطره‌ازلی*، تهران: امیرکبیر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۹)، *ادوار شعر فارسی*، تهران: توس.

ضیمران، محمد (۱۳۹۰)، *میشل فوکو: دانش و قدرت*، تهران: هرمس.

طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۷)، *جدال قدیم و جدید از نو زایش تا انقلاب فرانسه*، تهران: ثالث.

عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، *دیوان اشعار*، تدوین محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت، تهران: نگاه.

غفاری، امید و محمود کتابی و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی توسعه سیاسی در عصر مشروطیت و نخستین دهه انقلاب اسلامی (۵۷-۶۸) با تأکید بر توزیع قدرت»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، س ۸، ش ۱.

فراگنر، برتگ (۱۳۷۷)، *خاطرات نویسی ایرانیان*، ترجمه مجید جلیلود رضایی، تهران: علمی و فرهنگی.

فوکو، میشل (۱۳۸۳)، *اراده به دانستن*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۸)، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، «دموکراسی، دیکتاتوری و مسئولیت ملت»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۶۷.

کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴)، *کر، طلایه تجدد در شعر فارسی*، ترجمه مسعود جعفری، تهران: مروارید.

- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: خوارزمی.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۴)، *موسیقی در عصر مشروطه؛ پژوهشی در هنر عصر مشروطیت*، تهران: مهر نامک.
- کیخا، عصمت (۱۳۸۸)، *مناسبات قدرت و قانون در ایران معاصر*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- گامین، گ. گ. (۱۳۵۷)، *عارف شاعر مردم*، ترجمه غلامحسین متین، تهران: آبان.
- لنگرودی، شمس (۱۳۷۰)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، تهران: نشر مرکز.
- مجدالملک، میرزا محمدخان (۱۳۵۸)، *رساله مجدییه*، تصحیح و مقدمه فضل الله گرگانی، تهران: اقبال.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۱)، «تبیین ریشه‌های اجتماعی اقتصادی انقلاب مشروطه»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۲، ش ۲.
- ملک‌پور، جمشید (۱۳۶۳)، *ادبیات نمایشی در ایران (نخستین کوشش تا دوره قاجار)*، ج ۱، تهران: طوس.
- منیب، الرحمن (۱۳۷۸)، *شعر دوره مشروطیت*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: روزگار.
- مؤمنی، باقر (۱۳۵۲)، *ادبیات مشروطه*، تهران: گلشایی.
- میثمی، حسین (۱۳۹۴)، «شکل‌گیری کنسرت در دوره قاجار»، *نامه هنرهای نمایشی و موسیقی*، ش ۱۰.
- میلمر، پیتر (۱۳۹۳)، *سوژه، استیلا و قدرت در نگاه هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و فوکو*، ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران: نی.
- ناهدی، عبدالحسین (۱۳۶۰)، *زنان در جنبش مشروطه*، تبریز: احیاء.
- ورهام، غلامرضا (۱۳۶۹)، *تاریخ سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: معین.
- هدایت، مخبرالسلطنه (۱۳۸۳)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوآر.
- هودیه، آندره (۱۳۸۹)، *فرم‌های موسیقی*، ترجمه محسن الهامیان، تهران: دنیای نو.
- یورگنسن، ماریان (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

Bannister, Matthew (2010), "I'm Set Free ...": *The Velvet Underground, 1960s Counterculture, and Michel Foucault, Popular Music and Society*, vol. 33, no. 2.

Bertens, Hans (2005), *Literary Theory The Basics*, USA: Routledge.

Fadyl, Joanna K. and David A. Nichollas (2013), *Foucault, the Subject and the Research Interview: a Critique of Methods*, a Person Centred Research Centre, Health and Rehabilitation Research Institute, Nursing Inquiry, 20 (1).

Fatemi, Sassan (2005), *Music, Festivity, and Gender in Iran from the Qajar to the Early Pahlavi Period*, ISSN 0021-0862, Iranian Studies, vol. 38, no. 3.

- Foucault, M. (1972), *The Archaeology of Knowledge*, trans. A. M. Sheridan Smith, New York: Pantheon Books.
- Graha, J. Linda (2011), *The Product of Text and "Other" Statements: Discourse Analysis and the Critical Use of Foucault*, *Educational Philosophy and Theory*, vol. 43, no. 6.
- Jahanbegloo, Ramin (2013), *Democracy in Iran*, UK: Palgrave Macmilan.
- Rosenthal, Irena (2016), "Ontology and Political, Theory: A Critical Encounter, between Rawls and Foucault", *European Journal of Political Theory*, Reprints and Permissions: <sagepub.co.uk/journals.Permissions.nav>
- Torfeh, Masumeh (2005), *Political thought and Political History*, Moushe Gammer (ed.), Tailor & Francis e-Library.